

از انجمن " مشتاق " تا کانون نویسندگان ایران

به احترام ناصر زرافشان
و اعضای کانون نویسندگان در ایران

مروری تاریخی

رد پای جمع های ادبی در ایران را می توان در قرن ها پیش از قرن 18 میلادی یافت . از آغاز قرن هیجدهم میلادی اما این جمع ها شکل گرفته تر و با برنامه تر در عرصه ی فرهنگ و هنر جامعه ظاهر شدند. پیش از انقلاب مشروطه، در نیمه دوم قرن دوازدهم – اواخر دوره ی افشاریه- "پیشقدمان نهضت ادبی" در راه شکل دهی این دست انجمن ها گام بر داشتند. شهر اصفهان کانون نهضت بود. نخستین جمع را در این دوره " میر سید علی مشتاق" که از سادات حسینی اصفهان بود بر پا کرد(1171 ه- ق) و " منظومه ای از گویندگان جوان ، که اکثرا از مردم اصفهان بودند" حول انجمن مشتاق گرد آمدند. ("گفته شده است پیش از انجمن مشتاق نیز انجمنی در کاشان وجود داشت که مشتاق با عاشق، مجمر، صباحی بیگدلی، آذر بیگدلی، محتشم کاشانی و آذری قمی) صاحب آتشکده آذر) از اعضای آن بودند. مشتاق پس از جدایی از این انجمن به اصفهان رفت و انجمن مشتاق را تاسیس کرد."

در زمان آغا محمد خان قاجار، حاکم شهر اصفهان میرزا عبدالوهاب نشاط انجمنی از سخنوران گرد آورد که " به امور ادبی و کار روی اسلوب های گوناگون کلام" می پرداختند. این انجمن " انجمن نشاط " نام گرفت. فتحعلی شاه "شاعر و شاعر نواز " هم بعد ها سبب شکل گیری " انجمن خاقان" شد. این انجمن عرصه ی رقابت های شعر خوانی و طبع آزمایی ای بود برای دستیابی به لقب " پر افتخار " ملک الشعرائی از خاقان. ملک الشعرا ی صبا، مجمر و نشاط از پا های اصلی این انجمن بودند.

" انجمن دانشوران" در سال 1294 ه – ق تحت نظر شاهزاده علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه، وزیر علوم، شکل گرفت ..علیقلی میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار بود و می گویند " اهل ذوق و فضل" می نمود. این انجمن " نامه دانشوران" را منتشر می کرد که در آن جمعی از فضلا و علما در این نامه " شرح احوال و صفات بزرگان ادب و قلم و سیاست را می نوشتند."

در قزوین و کاشان و سایر شهر ها نیز این نوع انجمن ها پا گرفت. سخنرانی قره العین در یکی از همین انجمن ها در دشت " بدشت" در 7 کیلومتری شاهرود، سبب شد تا او به امر شاه کشته شود. این دست انجمن های ادبی متمایل به در بار بودند و حکومت ها نقش پایه ای در شکل گیری شان داشتند. به همین دلیل اهل قلم مخالف حکومت در " خلوت می ماندند" و به ناچار منزوی بودند.

در آن هنگام روز نامه ها نیز مرا کزی برای تجمع گروهی از اهالی فرهنگ و هنر بودند، و بدل به نوعی " تشکل و انجمن" می شدند. کاغذ اخبار میرزا صالح شیرازی (1253 ه- ق) به عنوان یک روزنامه دولتی سخنگوی دربار و اهل قلم در باری بود و روزنامه نگاران نیز در ردیف کارمندان دولت. حتی " وقایع اتفاقیه" نیز که به اصرار و ابتکار امیر کبیر با فاصله 11 سال پس از انتشار آخرین کاغذ اخبار در " دار الخلافه مبارکه سمت انطباع یافت" در غایت همین ویژگی را داشت .

با انقلاب مشروطه روند بر پای، رشد و گسترش انجمن ها و تشکل های فرهنگی و هنری سرعت گرفت. منطق انقلاب مشروطه، به عنوان حرکتی مردمی، روشنگرانه و آزادی خواهانه سبب شد تا حدی کیفیت دموکراتیسم برنامه ای و ساختاری به فضای بسته این انجمن ها و تشکل ها راه یابد. در نخستین گام بسیاری از این انجمن ها تلاش کردند از دربار و حکومت فاصله بگیرند و مستقل عمل کنند. برخی از این جمع ها در حد تشکل های سازمان یافته پیش رفتند اما بیش ترین شان در حد همان جمع های شعر خوانی و طبع آزمایی باقی ماندند. این جمع ها در مجموع عمرشان کوتاه بود، و گفته شده است " آلودگی" ها بیش از هر چیز سبب تعطیلی شان شد.

محمد علی فروغی همراه با میرزا علی اکبر خان داور و تنی چند پایه‌گذاری از نخستین انجمن‌های ادبی دوران مشروطیت بودند. (برخی از انجمن‌های فرهنگی (آموزشی)، مذهبی و اجتماعی که در این دوره فعال بودند، و یا به فعالیت‌شان ادامه دادند، تعدادی از اهالی قلم را جذب کرده بودند، این انجمن‌ها را در زمره انجمن‌های ادبی نمی‌توان قرار داد، انجمن اخوت، انجمن معارف و... نمونه‌اند.)

حسن وثوق الدوله، در سال 1290 هـ- ش "انجمن بی‌نام" را دایر کرد. محل جلسات این انجمن خانه او در سلیمانیه (انتهای دوشان‌تپه) بود. وقتی وثوق الدوله، که اهل قلم و شعر شناس می‌نمود به مقام نخست وزیری رسید این انجمن تعطیل شد. (1293 هـ- ش)

ملک الشعرای بهار و جمعی از جوانان که خواستار "تجدید نظر در طرز و رویه ادبیات ایران" بودند به سال 1294 "انجمن دانشکده" را بر پا کردند، انجمنی که ادامه‌ی "جرگه‌ی دانشوری" رشید یاسمی بود. این جمع که تلاش می‌کردند رهبری ادبی آن دوره را به عهده بگیرند، نشریه "دانشکده" را منتشر کردند. (از اردیبهشت تا اسفند 1297 هـ- ش)

در گیر و دار کودتای رضا خان و سید ضیاء (سال 1299) انجمن‌ها و تشکل‌های فرهنگی متعددی شکل گرفتند. "انجمن ادبی ایران" از سوی وزارت فرهنگ به رسمیت شناخته شد و در تالار آئینه این وزارت خانه جلسات اش را برگزار می‌کرد. پیش‌تر این جلسات در خانه‌های اعضا و دوستان انجمن تشکیل می‌شد، خانه‌های وحید دستگردی، حسینقلی قزل‌ایاغ، میرزا رضا خان نایینی، ملک الشعرای بهار، ادیب السلطنه سمیعی و... نیز محل برگزاری این جلسات بود. این انجمن در همدان، اصفهان، شیراز و برخی دیگر از شهرستان‌ها شعبه‌هایی نیز بر پا کرده بود. جدا از این نوع شعبه‌ها و شاخه‌ها در شهرستان‌ها نیز تاسیس و فعالیت‌های انجمن‌ها و جمعیت‌های فرهنگی و هنری گسترشی چشمگیر داشت، به ویژه در گیلان و آذربایجان که از دروازه‌های ایران به سوی روسیه و اروپا، و فرهنگ و تمدن غرب بودند. جمعیت فرهنگ رشت، فرهنگ انزلی، جمعیت فرهنگ تبریز، جمعیت فرهنگ قزوین نمونه‌هایی از جمعیت‌های فرهنگی و هنری فعال این دوره بودند. برخی از این جمعیت‌ها زایده‌های احزاب سیاسی شدند، که جمعیت "فرهنگ رشت" در رابطه با حزب کمونیست ایران بتدریج چنین ویژگی‌ای یافت.

در این دوره (سال‌های 1285 تا 1304 شمسی) مطبوعات نیز نقش انجمنی و تشکلی ایفا کردند و یا در شکل‌گیری آن‌ها سهم داشتند. در این میان حضور ارزشمند محمد تقی بهار، عشقی، اشرف الدین گیلانی، دهخدا و... غیر قابل انکار است.

جنبش سندیکایی و اتحادیه‌ای نیز که از سال 1284 هـ- ش آغاز شده بود، بعد از سال 1290 اوج چشمگیری داشت. این جنبش‌ها تا سال 1300 هـ- ش نیز فعال بودند. نخستین اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها نیز در این سال‌ها پا گرفت. این دست اتحادیه‌ها اگر چه خصلت صنفی‌شان بر سایر ویژگی‌های‌شان می‌چربید اما از طرح خواست‌های دموکراتیک فرهنگی و هنری نیز غافل نمی‌شدند.

رضا شاه خلاف پادشاهان قاجار، حتا تمایل و روحیه‌ی شکل‌دهی انجمن‌های ادبی را نیز نداشت. در دوران سلطنت رضا شاه "تشکل‌های زنان"، که برخی فعالیت‌های فرهنگی و هنری نیز داشتند، جانی گرفتند. تعداد اندکی از این تشکل‌ها به گونه‌ای نسبی، مستقل بودند، اما حتی رضا شاه بر اکثر سازمان‌ها و "کنگره‌های زنان نظارت داشت. "جمعیت نسوان وطن‌خواه" که سال 1301 شکل گرفت، و یا "انجمن مخدرات وطن" به ریاست محترم اسکندری، نمونه‌هایی از این دست تشکل‌ها بودند.

رضا شاه "سازمان پرورش افکار" را نیز پایه‌گذاری کرد تا که افکار و فرهنگی را رواج دهد که در شعار این سازمان به وضوح خودنمایی می‌کرد: "چه فرمان یزدان، چه فرمان شاه".

دوره 20 ساله 1299 تا 1320 انجمن‌ها و جمع‌های ادبی انگشت‌شماری فعال بودند. وحید دستگردی پس از کناره‌گیری از انجمن ایران، اواخر سال 1311 هـ- ش انجمن ادبی "حکیم نظامی" را تاسیس کرد، و به یاری همین انجمن مجله‌ی "ارمغان" را منتشر کرد.

"اصحاب چهارشنبه" در اتاق مدرس مدرسه‌ی سپهسالار، زیر ساعت مدرسه، تشکیل می‌شد. محیط طباطبایی، احمد آرام، حسین خدیو جم، مرتضی مطهری، محمد معین، مجتبی مینوی، حبیب یغمایی و... برخی از اعضای این جمع ادبی بودند.

در این دوره دو گروه (محل) ادبی نیز فعال بود. "گروه ربهه" (ادبای ربهه) که بزرگ علوی، مجتبی مینوی، مسعود فرزند و صادق هدایت افراد اصلی آن بودند و افرادی مثل مین باشیان، حسین سرشار و درویش (آندره سوریوگین) به آن‌ها می‌پیوستند. گروه دیگر که گروه سبعة" (ادبای سبعة) بود، سعید نفیسی، رشید یاسمی و... افراد اصلی آن بودند.

ملک الشعرای بهار نیز بارها تلاش کرد انجمنی که " نماینده ی واقعی ادب و فرهنگ اصیل ایران و راهنمای شاعران و نویسندگان باشد ، بر پا کند ، که نتوانست.

روزنامه ها در این دوره " دوران سکوت" را می گذراندند. رضا خان می دانست مطبوعات محوری خواهند شد برای شکل گیری تجمع ها و تشکل ها، بنابراین روزنامه نگاران مترقی را یا به زندان افکند، یا لبانشان را دوخت و یا جان شان را گرفت. در این دوره تک و توکی نشریه ادبی توانستند نفسی بکشند.

پس از رضا شاه ، با آغاز حکومت پسرش - بی آنکه شاه جوان و گردانندگانش نقش مثبتی داشته باشند- دوره ای کوتاه مردم ایران زندگی سیاسی نسبتاً آزادانه ای را تجربه کردند. این دوره ، دوره شکل گیری و فعالیت و تحرک مجدد انجمن ها و تشکل های فرهنگی و هنری بود.

جمع های ادبی در این دوره نه فقط در خانه ها و کلاس های مدارس، که در تالار ها و سالن های مختلف دانشکده ها و کافه های مختلف تهران و شهرستان ها گرد می آمدند. برای نمونه ، کافه فردوسی و زرنواز پاتوق صادق هدایت و دوستانش، رفقای ربه و " جعفرخان های از فرنگ برگشته " بود.

"انجمن ادبی ایران" مجدداً در سال 1320 هـ- ش به ریاست ادیب السلطنه سمیعی و با یاری ملک الشعرای بهار و جمعی از شاعران و نویسندگان پا گرفت. عمارت "فرهنگستان ایران" در اختیار این جمع قرار گرفت و هر هفته در آن جلسه بر گزار می شد. در این جلسات شاعران و نویسندگان آثار خود را می خواندند و در باره ی آن ها بحث و گفت و گو می کردند. در همین انجمن طرح هایی برای تالیف کتاب لغت نامه ، داستان و سناریو تهیه شد که در حد " طرح" ماند.

انجمن ها و تشکل های فرهنگی و هنری زنان نیز رشد و گسترش داشتند، اما بیش ترین آن ها از طریق نظارت دربار و " اشرف پهلوی" کارهای شان سامان داده می شد. " کانون بانوان" که در سال 1327 شکل گرفت و ریاست آن با هاجر تربیت بود ، یکی از تشکل های مهم زنان آن دوره بود.

در همین سال ملک الشعرای بهار " جمعیت ایرانی هوادار صلح" را بنیان نهاد، و قصیده ی معروف " جغد جنگ" را بر پیشانی این جمعیت نشانید. روزنامه " مصلحت" به مدیریت احمد لنگرانی نیز نشریه این جمعیت بود، جمعیتی که بسیاری از شاعران و نویسندگان در آن فعال بودند.

مهم ترین رویداد فرهنگی و هنری این دوره ، ویکی از رخدادهای مهم ادبی در دویست سال گذشته ، برگزاری نخستین کنگره نویسندگان ایران " در سال 1325 بود. 4 تیر ماه این سال به دعوت " انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی" این کنگره با شرکت بیش از 100 نفر از نویسندگان و شاعران و محققان ایرانی ، که برپا دارندگان بسیاری از جمع های ادبی بودند، برگزار شد.

ملک الشعرای بهار، عبدالحسین نوشین، نمایوشیچ، احسان طبری، صادق هدایت، بزرگ علوی، علامه دهخدا، پرویز ناتل خانلری و... از شرکت کنندگان در این کنگره بودند. این کنگره در باغ " خانه فرهنگ" و در حضور قوام السلطنه، نخست وزیر، و عده ای دیگر از وزرا و سفیر کبیر شوروی در ایران بر پا شد.

در قطعنامه این کنگره آرزو شده بود که: " نویسندگان ایران در نظم و نثر، سنت دیرین ادبیات فارسی ، یعنی طرفداری از حق و عدالت ، و مخالفت با ستمگری و زشتی را پیروی نمایند و در آثار خود آزادی و عدل و دانش و رفع خرافات هواخواهی نموده و...". در این قطعنامه قرار شد: " کنگره تاسیس یک کمیسیون تشکیلات موقتی را که بنیاد اتحادیه گویندگان و نویسندگان ایران باشد، پی ریزی کند."

در دوره نخست وزیری مصدق نهاد های دموکراتیک و صنفی بیش تر و فعال تر شدند. حمایت مصدق از انجمن های صنفی و دموکراتیک مستقل ، می توانست آغاز شکل گیری و فعالیت انجمن ها و تشکل های فرهنگی و هنری با ساختارها و برنامه هایی صنفی و دموکراتیک باشد اما کودتای 28 مرداد امان نداد.

کودتای 28 مرداد سرکوب خشن همه ی انواع تشکل ها، انجمن ها و جمع های مستقل و دموکراتیک را به همراه داشت. محمد رضا شاه با استفاده از تجارب کشور های دیگر تلاش کرد تشکل ها و انجمن های فرهنگی و هنری سلطنت ساخته راه بیاندازد. محمد رضا شاه با یاری اهل قلم هوادار رژیم مستبدش تا حدی موفق شد.

دوره ی پس از کودتا ، دوره ی انجمن های خانگی و تجمع های مخفی در کافه ها و انتشاراتی ها بود. البته بودند انجمن ها و " کلوپ هایی که امکانات و فعالیت علنی داشتند.

" انجمن قلم PEN Club که زین العابدین رهنما، عبدالحسین وزیری، حسین شاه زیدی و محیط طباطبایی از چهره های شناخته شده اش بودند، دفتری نزدیک دانشگاه تهران داشت. ابراهیم صهبا، عباس خلیلی، عبدالحسین فرامرزی، انجوی شیرازی، مصطفی الموتی و برخی دیگر در این جمع حضور می یافتند ، و آثار خود را ارایه می کردند."

سال های 1338-1339 در برخی از شهرستان ها نیز انجمن های ادبی خانگی فعال شدند. شفیع کدکنی می گوید: ".... بعد ها مثلا" انجمن ادبی داشتیم و انجمن های ادبی مختلف در خراسان ما بود، اولش با همان دکتر شریعتی... اسمش را هم گذاشته بودند" انجمن ادبی پیکار "... به هر حال دکتر فیاض پای ثابت همه ی انجمن ها ی ادبی مشهد بود، یعنی هم به انجمن ادبی "پیکار" ما می آمد، هم به انجمن خانه ی قهرمان می آمد، هم به انجمن ادبی خانه ی سرگرد نگارنده می آمد.

سال 1341، سال "انقلاب سفید" شاه بود. شاه و "فرهنگ ورزان و هنر پروران" دوروبرش، همچون فرح دیبا و اشرف پهلوی و شجاع الدین شفا ها دست به کار شدند تا مجدانه و فعالانه، و با سیاست تطمیع و تحبیب و تهدید، تشکل های فرهنگی و هنری درباری و مناسب "انقلاب سفید" بوجود آورند.

از سوی دیگر بسیاری از اهالی فرهنگ و هنر، به ویژه اهل قلم آزاد اندیش و آزادیخواه گامی فراتر از انجمن ها و جمعیت های ادبی برداشته و در راه تاسیس تشکل های مستقل صنفی و دموکراتیک پیش رفتند.

در نیمه ی اول سال 1341 تعدادی از نویسندگان و مترجمان و خبرنگاران و عکاسان مطبوعات در پارک شهر تهران گرد آمدند و سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات را تاسیس کردند.

این اقدام در شرایطی که فشار سانسور دولتی با حضور انواع و اقسام "محرملی خان" ها و اداره های مختلف ساواک رفق مطبوعات را گرفته بودند، یکی از ارزشمندترین گام ها در جهت تامین منافع و حقوق این صنف و نیز حق برپایی تشکل صنفی و دموکراتیک بود.

رژیم شاهنشاهی که نقش و جایگاه مطبوعات و کتاب و تشکل های مستقل اهل قلم را در تحولات دموکراتیک در جامعه می دانست، به گونه ای کنترل شده، با کمک های بیدریغ و به اهل قلم هوا خواه اش دست به انتشار مطبوعات ریز و درشت، انجمن های مختلف کتاب و بنگاه های متنوع نشر و ترجمه، برپایی برنامه های ادبی و انجمن و تشکل سازی های رنگارنگ زد. "انجمن کتاب" و متعلقانش به سرپرستی احسان یار شاطر، که فعالیت خود را از سال 1336 آغاز کرده بود، یک نمونه ی پرکار و پرتحرک بود. میزان حمایت رژیم از اهل قلم هوادارش به حدی بود که برای نمونه در سال های 1352-1353، در شرایطی که رژیم به بهانه گرانی کاغذ دست به تهدید تعطیل کردن برخی از روزنامه ها و مجلات زد، و بر تعداد 65 روزنامه نگار، نویسنده و مترجم ممنوع القلم می افزود، انجمن ها و بنگاه ها و مطبوعات هوادار و مورد حمایت اش با تورم کاغذ مواجه بودند.

در همین دوره بخشی از نویسندگان، شاعران، مترجمان و محققان روشنفکر و روشنگر، که جمع های ادبی خود را در خانه ها، کافه ها، دانشگاه ها، کتابفروشی ها، دفاتر روزنامه ها و مجلات مستقل، مطب ها (به ویژه مطب "دلگشا"ی دکتر ساعدی) برپا می کردند به فکر تاسیس تشکل مستقل صنفی و دموکراتیک اهل قلم افتادند. همین مجموعه، همراه با بسیاری از اهل قلم ساکن در شهرستان ها، سرانجام در کنار فعالیت های ادبی و پژوهشی، با اعلام اعتراض علنی خود علیه سانسور، و نبود آزادی اندیشه و بیان و قلم، جسورانه یکی از کارآترین و پر افتخارترین تشکل های مستقل صنفی، دموکراتیک، و فرهنگی و هنری تاریخ میهن مان، یعنی کانون نویسندگان ایران را شکل دادند. این تلاش ها که در فاصله ی سال های 1345-1346 صورت گرفت، سبب شد تا کانون نویسندگان ایران فعالیت رسمی و علنی خود را از اردیبهشت سال 1347 آغاز کند.

ادامه دارد

برخی از منابع:

- 1- یحیی آریان پور، از صبا تا نیما (تاریخ 150 سال ادب فارسی) دو جلد- چاپ پنجم 1357، شرکت سهامی کتاب های جیبی
- 2- کتاب سال کیهان، جلد هشتم، سال 1348، سردبیر و مسیول دکتر مهدی سمسار، معاون رحمان هاتقی، صاحب امتیاز مصطفی مصباح زاده
- 3- میرزا صالح شیرازی، گزارش سفر، انتشارات راه نو، تهران 1362
- 4- همایون کاتوزیان، مشروطیت و نوگرایی ادبی، ایران فردا، شماره 2، مرداد و شهریور 1371
- 5- هوشنگ پور شریعت، دانایی و بینایی - از خانه میرزا صالح تا سندیکای خبرنگاران و نویسندگان، دنیای سخن، شماره 55، خرداد و تیر 1372
- 6- شمس لنگرودی، تاریخ تحلیلی شعر نو، جلد اول، دوم و سوم (از سال 1284 تا 1349).

- 7- علی اکبر قاضی زاده , مطبوعات , مصلحت و سیاست , مجله گردون , شماره 21 و 22 (ص 18 تا 25) 1372
- 8- علی کباری, (خاطراتی از فعالیت جمعیت " فرهنگ" و حزب کمونیست در گیلان), دنیا, نشریه تیوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران, دوره دوم, سال دوازدهم, سال چهارم, زمستان 1350
- 9- احمد آرام, شمع فروزان " اصحاب چهارشنبه", دنیای سخن, شماره 50, تیر و مرداد شهریور 1370
- 10- اسناد تاریخی جنبش کارگری و سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران و آثار آوتیس سلطانزاده, به کوشش خسرو شاکری و..... (جلد های متعدد)
- 11- مهدی کیهان, هفتاد سال جنبش سندیکایی در ایران (بررسی تحلیلی), سال 1359, انتشارات حزب توده ایران
- 12- محمود نفیسی, فرهنگ و ادبیات در دوران رضا شاه, شماره های متعدد گاهنامه سیمرغ (امریکا- کالیفرنیا) شماره 53 مهر و آبان ماه 1373
- 13- نخستین کنگره نویسندگان ایران (تیر ماه 1325), چاپ خارج کشور, سال انتشار 1375
- 14- حبیب لاجوردی, حکومت مشروطه و اصلاحات دوران مصدق, مهرگان, سال چهارم, شماره 2, 1374
- 15- شفیعی کدکنی, ویژه شعر (گاهنامه), به سر دبیری سعید یوسف, سال اول, شماره اول, سال 1374
- 16- گفت و شنود با غلامحسین جواهری (وجدی), در باره انجمن های ادبی, بخشی از تاریخ جنبش روشنفکری ایران, مسعود نقره کار, جلد 5, نشر باران, سال 2002
- غلامحسین جواهری وجدی, شاعری که بیش از 50 سال در انجمن های ادبی حضور یافته است, از " انجمن ادبی محمد علی خان ناصح" که " انجمن ایران نیز خوانده می شد و دنباله ی انجمن شازده هاشم میرزا افسر بود", " انجمن عادل خلعت بری", " انجمن دیهیم", " انجمن کمال", " انجمن بیضایی", " انجمن عبدالرفیع حقیقت", " انجمن ادبی حافظ", " انجمن توفیق", " انجمن صایب", " کلبه سعد", " انجمن سیار", " انجمن شیرازی ها", " انجمن فرخ" در مشهد, " انجمن تندری" در قم و..... نام برده است.
- 17- دکتر یونس پارسا بناب, تاریخ صد ساله احزاب و سازمان های سیاسی ایران, سلسله مقاله ها بی در نشریه ایرانیان, واشنگتن دی.سی, شماره های 101 و 102, مهرماه 1373
- 18- روز نامه کاوه, سال دوم (دوره جدید), شماره 5
- 19- دانشنامه ایرانیکا, بخش مربوط به انجمن ها, ادیتور احسان یار شاطر, چاپ امریکا